

بسم الله الرحمن الرحيم
کودتای ارتش در بورکینافاسو
(ترجمه)

پرسش:

در 24 جنوری 2022م، ارتش در بورکینافاسو پس از سرنگونی رئیس جمهور روش کابوره، تعلیق قانون اساسی، انحلال دولت و پارلمان و بستن مرزها، قدرت را به دست گرفت. فرمانده پل هانری سانداوگو دامیبا بیانیه کودتا را امضاء و افسر دیگری آن را در تلویزیون دولتی خواند. این بیانیه با عنوانیه‌ای "جنبش ملی برای حفاظت و اصلاح" خوانده شد. در این بیانیه وعده داده شد که "کشور در طی مدت زمانی معقولی، به سوی نظامی دارای قانون اساسی باز خواهد گشت." اما این مدت زمان را مشخص ننمود. حال پرسش این است که چه کسی پشت این کودتا است؟ آیا به کشمکش‌های بین‌المللی در این کشور مربوط است؟

پاسخ:

برای وضاحت بیشتر پاسخ موارد ذیل را مروری می‌نماییم:

1- بورکینافاسو که نام قدیمی آن ولتا علیا است، سرزمین اسلامی به شمار می‌رود، زیرا بیش از 60 درصد مردم آن مسلمان هستند. این کشور از جمله چهارمین کشور آفریقا در تولید طلا است و دارای بسیاری از مواد معدنی دیگر مانند مس، روی و دیگر معادن است. فرانسوی‌ها این سرزمین را اشغال و از سال 1896 استعمار خود را بر آن تحمیل و این سرزمین را به اصطلاح فدراسیون فرانسه با فرانسه یک‌جا نمودند. در سال 1960م اجباراً به آن یک استقلال شکلی دادند. فرانسه در این سرزمین دولت و ارتشی را ساخت که کاملاً تابع آن بود. در آن‌جا پایگاه نظامی وابسته به نیروهای ویژه‌ای داشت که از آن‌ها برای پاسداری از نفوذ خود در منطقه استفاده می‌نمود و نیز برای همین منظور این سرزمین را عضو مجموعه دولت‌های پنجگانه ساحل آفریقا قرار داد. فرانسه به آنچه آن را فرنگ آفریقایی نام نهاد و اکنون تبدیل به یورو شده است، اقتصاد خویش را گره زد، دارائی‌های دولت‌های مرتبط به این ارز را، در بانک مرکزی فرانسه واریز نموده و از آن هرگونه که خواست برای حمایت از اقتصاد خود بهره برداری نمود. طبق معمول عمل‌کردهای مانند این، اسالیب استعماری می‌باشند که بر تسلط دولت‌های استعماری بالای یک سرزمین و به غارت دارائی‌های آن تداوم می‌بخشد. ولی با وجود این هم امریکا خواست به وسیله بر انگیختن افکار آزادی خواهی علیه استعمار فرانسه، تحریک افکار چپی، از طریق آنچه را که به نام کمک‌ها و قرضه‌های صندوق بین‌المللی پول، و شرایط تباہ کننده آن، یاد می‌نمود، هم‌چنین از طریق تنظیم‌های جامعه مدنی و تماس با سیاسیون و نظامیون، برای ورود به این سرزمین بسیار تلاش نمود؛ در این اواخر نیز از مسئله مبارزه با تروریسم برای گسترش نفوذ خویش استفاده می‌نمود؛ چنان‌که از نیروهای نظامی این کشور علیه گروه‌ها مسلح اسلامی کار گرفت.

2- آمریکا این سرزمین و همسایه‌های آن را در معرض توجه خویش قرار داد و برای منطقه مجموعه دولت‌های ساحلی در سال 2020م به بهانه مواجهه با خشونت و تهاجمات گروه‌های مسلح اسلامی، نماینده ویژه‌ای فرستاد. وزارت خارجه آمریکا اعلان نمود که وضعیت دولت‌های ساحلی و مخصوصاً منطقه مرز مشترک بوركینا فاسو، مالی و نجریه در حال به وخامت انجامیدن است؛ بناءً می‌طلبد که برای آن فرستاده ویژه گماشته شود. فرانسه در سال 2013م پس از این که در سال 2012م به بهانه مبارزه علیه گروه‌های مسلح اسلامی مستقر در شمال مالی، علیه نفوذ آن کودتا صورت گرفت، باری دیگر در منطقه مداخلات خویش را آغاز نمود، اما در پایان سال گذشته اعتراضاتی علیه حضور فرانسه در بوركینا فاسو و علیه مداخلات آن در منطقه غربی افریقای آغاز شد، که خواستار بازگشت ارتش فرانسه بودند. به این معنی که در بوركینا فاسو تحرکاتی علیه حضور فرانسه در جریان می‌باشد که تمام این موارد بر وجود کشمکش‌های فرانسه و آمریکا در بوركینا فاسو دلالت دارد؛ واقعیتی که در غرب و وسط افریقا در جریان بوده و آمریکا و فرانسه به کشمکش‌های خویش در آن منطقه تداوم می‌دهند. ماکرون در صحبتی که در مورد این کشمکش‌ها داشت، به صیغه دیگری اشاره نموده گفت: «روابط بین این دو قاره خسته کننده است.» وی نیز در صحبت‌اش «به ضرورت برقراری قرار داد جدید اقتصادی و مالی با افریقا» تأکید نموده گفت: «لازم است که اروپا در ساختارهای بین‌المللی، استراتژی مشترکی را با افریقا روی دست گرفته و به تطبیق اجنبدایی آموزش، صحت و سیاحت بپردازد.» (منبع: فرانس برس 2021/12/9م) ماکرون در سخنرانی که در برابر پارلمان اروپا در تاریخ 2021/11/19م، در روزی که کشورش برای شش ماه آینده ریاست اتحادیه اروپا را تسلیم می‌شد، ایراد کرد. بر این صحبت خویش، که بار دیگر با تأکید، خواستار پیمان جدید همراه افریقا شد، در خواست نمود که بین دو قاره در ماه فبروری آینده، نشست‌های ترتیب داده شود. ماکرون در آن جا اشاره به استثمار افریقا، سیطره شرکت‌های اروپایی مخصوصاً فرانسوی بر دارائی‌های این سرزمین و غارت آن و همان‌طور به سوءاستفاده از مسئله بیماری‌ها و مصرف داروهای شرکت‌های دارو سازی، سوءاستفاده از وضعیت امنیتی برای محافظت از نفوذ فرانسه در آن سرزمین اشاره نمود.

3- منابع امنیتی خبر از این داده اند که رئیس‌جمهور کابوره از 2022/1/23م در یک پایگاه نظامی در باز داشت به سر می‌برد. یعنی پس از این که واحدهای نظامی خواستار برکناری مسئولین رده بالای ارتش شدند، بر اقتدار و سلطه کابوره ترمز نمودند. این واحدهای نظامی رئیس ارکان و رئیس استخبارات را به ناکامی در مبارزه با جهادی‌ها متهم نموده، خواستار تخصیص موارد اضافی برای مواجهه با این گروه‌ها شدند و برکناری رئیس و ره‌های جنرال "گیلبرت دیندیر" از زندان را مطالبه نمودند؛ جنرالی که مقامات آن را در سال 2015م به تلاش برای کودتای ناکام محکوم نموده و آن را راهی زندان نمودند. ارتش می‌گوید؛ کابوره در یک پارچه نگهداشتن ملت و تعامل با آن، در بحران‌های امنیتی که اساس ملت ما را مورد تهدید مواجه ساخته است، ناکام بوده است. (منبع: بی بی سی 2022/1/25م) رهبر کودتا، پل هانری سانداوگو دامبیا ضابط بخش بزرگ پیاده نظام در ارتش بوركینا فاسو بود، از مدرسه نظامی در پارس فارغ تحصیل و ماستری خویش را در بخش علوم جنایی از اکادمی cnam در پارس گرفته است. تعلیم و تربیه این رهبر کودتا در کشوری که عموماً بر بوركینا فاسو تسلط دارد و همان‌طور تزکیه سازی‌های واهی فرانسه در ارتباط به کودتا، با روشنی آن چه دال بر عدم نگرانی فرانسه و رضایت آن از کودتا دارد، مؤید این است که این کودتا به همکاری فرانسه، صورت گرفته است.

4- ماکرون پس از کودتا اظهار داشت که "رئیس جمهور بورکینا فاسو روش مارک کریستیان کابوره دوبار از طریق انتخابات دیموکراتیک از جانب مردم انتخاب گردیده است. برای من گفته شده است که وی در معرض خطر آزار جسمانی قرار ندارد... (فرانس برس 2022/1/25م) در این اظهارات آرامش‌دهی نهفته بود که دلالت بر این داشت که ماکرون مؤید کودتا بوده، از وقوع آن و همان‌طور از برکناری کابوره و کودتا علیه آن متأسف نیست. لیکن ماکرون گفت که وی در معرض خطر آزار جسمانی قرار ندارد، گویا به لهجه مردمی اشاره می‌نماید که وی پیش از آنکه به قتل برسد، فقط جان‌ش نجات یافته است. درحالی‌که این موضوع؛ فرانسه کسانی را که در بورکینا فاسو با وی خصومت می‌نمایند، به قتل رسانده و سپس مزدوران خویش را به جای آن می‌گمارد، یک موضوع معمول است. چنانچه فرانسه در سال 1987م رئیس‌جمهور سابق بورکینا فاسو "توماس سانکارا" را به قتل رساند؛ کسی که تظاهر به انقلابی مارکیستی می‌نمود تا بر مزدوری خویش برای امریکا پرده بیندازد و به دست مزدور فرانسه، "بلیز کومباوری" که پس از کشته شدن وی در کودتای نظامی که در همان سال فرانسه آن را تدارک دیده بود، به قدرت رسید و تا سال 2014م و کودتای ضابط‌های ارتش که وابسته به امریکا بودن در قدرت قرار داشت، که پس از آن سال به اجرای انتخابات در بورکینا فاسو اجازه داده شد و روش کابوره در 2015م برنده انتخابات شد، اما باز هم ماکرون پس از کودتای امسال خواستار رهای کابوره و بازگشت آن به قدرت نشد. در حالی‌که در سال 2020م از عاملین کودتای مالی خواست که رئیس‌جمهور "ابراهیم ابوبکر کیتا" را و به قانون اساسی احترام گذاشته و آن را به قدرت باز گردانند، چون رئیس‌جمهور مالی مزدور فرانسه بود. اما اکنون ماکرون خواستار رهای کابوره نشد، این اشاره بر این دارد که کابوره مزدور فرانسه نبوده و به همین دلیل فرانسه کودتا علیه آن را محکوم ننمود، بلکه ماکرون گفت که ما معمولاً با جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در محکومیت این کودتا، به وضوح همراه خواهیم بود.

5- در مورد موقف امریکا در برابر این کودتا سخنگوی وزارت خارجه امریکا طی اظهارات‌اش گفت: «ایالات متحده از ارتش بورکینا فاسو خواستار رهای فوری رئیس‌جمهور کابوره و احترام به قانون اساسی و رهبران مدنی این کشور می‌باشد. واشنگتن تمام طرف‌های این وضعیت اضطراری را به حفظ آرامش تشویق نموده، از آنان می‌خواهد که گفتگو راه را برای کمایی خواسته‌های خویش قرار دهند... (منبع: فرانس برس 2022/1/24م) این دال بر این است که امریکا از این کودتا راضی نبوده و مطالبه آن از ارتش مبنی بر رهایی رئیس‌جمهور کابوره و احترام آن به عنوان رهبر مدنی کشور و بازگشتاندن آن به قدرت و همان‌طور احترام به قانون اساسی به دلیل این است که کابوره رئیس‌جمهور منتخب است. این موقف امریکا بر خلاف موقف آن در برابر کودتای سال 2014 در این کشور است. در آن زمان "گین ساکی"، سخنگوی وزارت خارجه امریکا فقط گفت: «امریکا هنوز آماده این نیست که به دست‌گیری قدرت از سوی ارتش در بورکینا فاسو را کودتا توصیف کند یا نکند، و آن گامی بود که امریکا در آن زمان بر داشت که در اصل توقف کمک‌های امریکا را به آن کشور را می‌طلبید... (منبع: رویترز 2014/11/3م) این به این معنی است که امریکا کودتای 2014م را به این وسیله که آن را کودتا توصیف ننمود، تأیید کرد. اما امریکا در کودتای اخیر خواستار رهای فوری رئیس‌جمهور و احترام به قانون اساسی شد، قانونی اساسی که به وقوع کودتا اجازه نداده و تأکید بر مشروعیت رئیس‌جمهور دارد. "اریکوم کیلی کاهالان"، سخنگوی فرماندهی امریکا در آفریقا در یک پیام الکترونیک پس از کودتا در 2022/1/25م گفت: «فرمانده دامبیا در ارتباط به منازعات مسلحانه و تسلط مدنی و احترام به حقوق بشر آموزش دیده است. اما تسلط به زور بالای نظام با تعلیمات و آموخته‌های نظامیان امریکایی

همخوانی ندارد... یعنی این فرمانده امریکا اشاره نمود که فرمانده دامیبا در بسیاری از دوره‌های تعلیمات نظامی امریکا در سال‌های 2010 تا 2020م شرکت نموده، گویا وی هیچ ارتباط به امریکا نداشته و به وابستگی خویش با فرانسه باقی مانده است و به همین دلیل امریکا با اقدام آن به کودتا مخالفت می‌نماید.

6- روسیه نیز حوادث بورکینا فاسو را مورد توجه خویش قرار داده است، وزارت خارجه آن گفت: روسیه از خطرناکی و وخامت وضع سیاس داخلی این کشور آفریقایی دوست، نگران است، مسکو به دنبال فراهم شدن شرایط تغییر وضعیت بوده و در راستای بازگشت این کشور به واقعیت طبیعی خویش در اسرع وقت همکاری می‌نماید. (منبع: سایت وزارت خارجه روسیه 2022/1/24) این اهتمام ورزی روسیه به وضعیت سیاسی بورکینا فاسو آگاهی از این می‌دهد که در آن سرزمین، که ساحه نفوذ غربی می‌باشد، چیزی است که روسیه را وادار به مداخله نموده است. روشن است که امریکا روسیه را در افریقا به خدمت گماشته، همان‌طور که برای محافظت از نفوذ خود آن را در آسیای میانه و سوریه استخدام نمود؛ چنانچه امریکا در سال 2015م به حمایت مزدور خویش بشار اسد، به مداخلات روسیه در سوریه چراغ سبز نشان داده و هم‌چنان از روسیه برای گسترش نفوذ خویش در لیبی نیز استفاده کرد؛ از مزدور خویش حفرخواست که همراه روسیه تماس برقرار کرده و علیه اروپا از آن کمک بگیرد. همان‌طور به مزدوران خویش در مالی نیز سفارش نمود، که در مواجهه با نفوذ فرانسه از روسیه کمک بگیرند. چنانچه روسیه نیز مجموعه از سربازان جیره‌خوار خویش را به آن جا فرستاده است. همان‌طور "اندرو لیبوفیتش"، مأمور رسیده‌گی به تکالیف مأمورین تأمین روابط خارجی فرستاده شده به پارلمان اروپا اشاره به این موضوع چنین می‌گوید: «دشواری‌ها و موانعی که اروپا در خصوص تصفیه گروه‌های جهادی در منطقه ساحلی افریقا به آن مواجه است، برای روسیه فرصت توسعه همکاری‌های امنیتی داده است، مخصوصاً در مالی...» (خبر 25 کوم 2022/1/26) با این هم بسیار بعید است که روسیه در بورکینا فاسو، بتواند به نفوذ خویش استحکام بخشد، یعنی روسیه همراه فرانسه در بورکینا فاسو هیچ کشمکشی ندارد. یک مسئول بلند پایه نظامی فرانسوی که نامش برده نشده، گفته است: این واقعیت که فرمانده دامیبا تعلیم یافته پاریس است نه مسکو، به این معنی است که لازم است فرانسه از زمان قرارداد با ارتش بورکینا فاسو و از طریق مناقشه در مورد قضایای امنیت ملی، توانایی ایجاد راه‌حل برای رسیدن کمک‌های مداومش داشته باشد؛ لیکن لازم است که ما هیچ روزنه‌ای برای سوء استفاده روسیه باز نگذاریم. (منبع: خبر 25 کوم 2022/1/26)

7- کشمکش‌های کنونی در بورکینا فاسو در غرب و وسط افریقا در بین امریکا و فرانسه می‌باشد و همان‌گونه که پیشتر یادآور شدیم، کودتاها یکی پس از دیگری در بورکینا فاسو بین امریکا و فرانسه، یکی علیه دیگری، به صورت متداول در جریان بوده، تنها این نیست؛ بلکه این کشمکش‌ها بسیار گسترده‌تر از این بوده و عموماً در تمام افریقا بین امریکا و مستعمرین کهنه افریقا، انگلیس و فرانسه که هردوی آن اصرار در ماندن در مستعمرات قدیمی خویش دارند و به اشکال مختلف می‌خواهند از استعمار خویش محافظت کنند، در حال جریان است. کشورهای استعمارگر اگر یک کشوری را به شکل مستقل مورد اشغال قرار ندهند، از طریق ایجاد مزدورانی برای خود در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی فرهنگی و مطبوعاتی و دیگر از عرصه‌های حیاتی و مؤثر در آن کشور، برای ایجاد نفوذ خویش تلاش می‌کنند؛ مزدورانی که از هر پدیده‌ای حتی از ارتش‌های اشغال‌گر به مراتب خطرناک‌تر اند. زیرا ارتش‌های اشغال‌گر ذریعه این حکام مزدور، اشغال‌شان را متمرکز ساخته، در پشت

آنان پنهان، به وسیله آنان منافع خویش را تأمین، آنان را سپر قرار داده و در جنگ علیه کسانی که منافع شان را تهدید می‌نمایند، از آنان استفاده می‌نمایند.

﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرَهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ [منافقون: 4]

ترجمه: آنان دشمن اند، پس از ایشان برحذر باش! الله بکشدشان! چگونه (از حق روی) برگردانده (و منحرف) می‌شوند!؟

ظاهراً اسلوب کودتا ساده‌ترین رویش برای هموارسازی بستر نفوذ خود و دور انداختن نفوذ دیگران است؛ چون در این صورت زمام‌داران ارزان قیمت یافت می‌گردد که خریداری آنان بسیار ساده است، چون آنان برای رسیدن به قدرت آماده هر نوع همکاری با این استعمارگر و یا استعمارگر دیگر می‌باشند. هدف آنان محض رسیدن به قدرت و اشغال کدام منصب حکومتی می‌باشد، حتی اگر به قیمت پایمال شدن ملت و یا سرزمین شان باشد. آنان راه استقلال از چنگال نیروهای استعمارگر را نمی‌شناسند، مدام در جستجوی تکیه‌گاه خارجی می‌باشند که تا در راه رسیدن به قدرت و باقی ماندن در آن به آن تکیه زنند. آنان از داشتن عقلیه مستقل در تفکر و اراده، محروم بوده، فارغ از شخصیت‌های ایدئولوژیک و سیاست مداران باعقیده اند و فارغ از کسانی که دانش اداره سرزمین را داشته باشند؛ کسانی که بتوانند کشور را بدور از نیرهای بیگانه به سمت رشد و تعالی سوق دهند. مصیبت کنونی سرزمین‌های اسلامی همین حکام مزدور است که کرسی خویش را بالای سینه کشور و مردم خود قرار می‌دهند! مسلمانان باید صادقانه و مخالفانه تلاش کنند تا نفوذ استعمار را با تمام ابزارها و مهره‌های آن در سرزمین‌های خود از بین برده و زندگی اسلامی را از سر گیرند؛ در آن صورت است که این امت، مصداق این فرموده الله حکیم و عزیز در کتاب محکم و کریم‌اش، قرا می‌گیرند:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]

ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود و صلاح انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به الله ایمان دارید!

27 من جمادی الآخر 1443 ه.ق.

2022/1/30م